State Studies of Contemporary Iran

02

Vol. 12
Summer 2026

Research Paper

Received: 2026/04/30
Revised: 2026/07/22
Accepted: 2026/07/22
Published: 2026/08/23
P.P: 37-65

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765

The Role of Intermediary Circles (Clerics and Eulogists) in Reproduction the Social Capital of Public Participation in the Ramadan War

Morteza Nesari *[1]

Abstract

Objective: To identify the mechanisms through which religious intermediary circles (clerics and eulogists) strengthened the social capital of public participation in the Ramadan War (March 2026.(

Method: A qualitative study using a grounded theory approach (Strauss & Corbin). The research population included clerics, eulogists, Basij commanders, and military researchers who had experienced the Ramadan War. Purposeful and snowball sampling was employed, and 20 semi structured in depth interviews were conducted until theoretical saturation (after the 18th interview). Content validity ratio (CVR) (CVR) and test retest reliability (agreement coefficient of 88%) were confirmed. Data were analyzed through three stage coding.

Findings: The paradigm model consisted of six categories: causal conditions (temporary disruption in coordination of formal institutions, activation of existing social capital, simultaneous hybrid threats); core phenomenon (the cleric eulogist Complementary system); contextual conditions (Ashura based cultural background, spontaneous mosque and Hussainiya networks, historical experience of religious participation); intervening conditions (reaction of formal institutions, quality of information access, internal preparedness of clerics and eulogists); strategies (meaning making by clerics, emotional mobilization and organization by eulogists, joint information cooperation); consequences (significant and remarkable growth in the scale of gatherings, reproduction of trust, creation of an indigenous crisis management model.(

Conclusion: Clerics and eulogists, as religious intermediary circles with complementary functions (religious authority and legitimation versus emotional mobilization and field organization), successfully transformed latent social capital into sustainable and disciplined participation. This model can be applied in future national crises.

Keywords: Intermediary Circles, Public Participation, Ramadan War, Resource Mobilization, Social Capital, Eulogist.

1. Corresponding Author: PhD in Cultural Strategic Management, Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran.
Email: NesariMorteza@chmail.ir

Cite this Paper: Nesari, M (2026). The Role of Intermediary Circles (Clerics and Eulogists) in Reproduction the Social Capital of Public Participation in the Ramadan War. ***State Studies of Contemporary Iran***, 02(12), 37–65.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .

دولت پژوهی ایران معاصر

نقش حلقه‌های میانی (روحانیون و مداحان) در بازتولید سرمایه‌ی اجتماعیِ مشارکت مردمی در جنگ رمضان

مرتضی نثاری [*۱]

۰۲
دوره دوازدهم
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۳۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۳۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
صص: ۶۵-۳۷

شاپا چاپی: ۱۹۱۴-۲۷۸۳
الکترونیکی: ۷۷۶۵-۳۰۹۲

چکیده

هدف: شناسایی سازوکارهای نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی دینی (روحانیون و مداحان) در تقویت سرمایه‌ی اجتماعی مشارکت مردمی در جنگ رمضان (اسفند ۱۴۰۴). روش: پژوهش کیفی با رویکرد نظریه‌ی داده‌بنیاد (اشتراوس و کوربین) انجام شد. جامعه‌ی پژوهش شامل روحانیون، مداحان، فرماندهان بسیج مردمی و پژوهشگران نظامی دارای تجربه در جنگ رمضان بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و گلوله برفی انجام شد و ۲۰ مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته‌ی عمیق تا رسیدن به اشباع نظری (مصاحبه‌ی ۱۸) ادامه یافت. روایی محتوایی ابزار با CVR و پایایی با روش بازآزمون (ضریب توافق ۸۸٪) تأیید شد. تحلیل داده‌ها با کدگذاری سه‌مرحله‌ای انجام پذیرفت. یافته‌ها: مدل پارادایمی شامل شش مقوله بود: شرایط علی (کاهش موقت هماهنگی نهادهای رسمی، فعال‌سازی سرمایه‌ی اجتماعی موجود، بروز هم‌زمان تهدیدات ترکیبی)؛ پدیده محوری (نظام مکمل روحانی-مداح)؛ شرایط زمینه‌ای (بستر فرهنگی عاشورایی، ساختار خودجوش مساجد و هیئت‌ها، تجارب تاریخی مشارکت دینی)؛ شرایط مداخله‌گر (واکنش نهادهای رسمی، کیفیت دسترسی به اطلاعات، آمادگی درونی روحانیون و مداحان)؛ راهبردها (معنابخشی توسط روحانیون، فراخوانی و سازمان‌دهی عاطفی-حرکتی توسط مداحان، همکاری اطلاعاتی مشترک)؛ پیامدها (افزایش چشمگیر و کمّیِ قابل‌توجه تجمعات، بازتولید اعتماد، ایجاد الگوی بومی مدیریت بحران). نتیجه‌گیری: روحانیون و مداحان به‌عنوان حلقه‌های میانی دینی با توزیع کارکرد مکمل (مرجعیت شرعی و مشروعیت بخشی در برابر فراخوانی عاطفی و سازمان‌دهی میدانی) توانستند سرمایه‌ی اجتماعی نهفته را به مشارکت پایدار و منضبط تبدیل کنند. این الگو قابلیت به‌کارگیری در بحران‌های آتی را دارد.

کلیدواژه‌ها: بسیج منابع، حلقه‌های میانی، سرمایه اجتماعی، جنگ رمضان، مداحان، مشارکت مردمی.

۱. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکترای مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران. ایران. Email: NesariMorteza@chmail.ir

استناد: نثاری، مرتضی (۱۴۰۵). نقش حلقه‌های میانی (روحانیون و مداحان) در بازتولید سرمایه‌ی اجتماعیِ مشارکت مردمی در جنگ رمضان، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۰۲(۱۲)، ۶۵-۳۷.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

© نویسندگان
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

مشارکت مردمی در جمهوری اسلامی ایران نه یک متغیر تزیینی، بلکه بنیان هستی‌شناختیِ نظام مردم‌سالاری دینی است. نظریه‌پردازان کنش جمعی از دیرباز در پی تبیین چگونگی تبدیلِ هزاران کنش فردی پراکنده به «حرکتی هماهنگ و هدفمند» برآمده‌اند. رابرت پاتنام[1] سرمایه‌ی اجتماعی را «ویژگی‌های سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها» تعریف می‌کند که «هماهنگی و همکاری برای منفعت متقابل را تسهیل» می‌نماید (پاتنام، ۲۰۰۰)؛ اما این مفاهیم انتزاعی برای تحقق عینی نیازمند «سایبانی معنا بخش» هستند. پیتر برگر[2] در نظریه «چتر مقدس»[3] معتقد است دین با «استقرار نظم کیهانی به شیوه‌ای مقدس» و ارائه «دانش برساخت‌یافته‌ای که نظم اجتماعی را تبیین و توجیه می‌کند»، مهم‌ترین ابزار مشروعیت بخشی در تاریخ بشر بوده است (برگر، ۱۹۶۷). اما مشروعیت و شبکه‌های اعتماد به‌تنهایی کافی نیستند؛ آنچه خروش جمعی را به حرکتی سازمان‌یافته بدل می‌کند، «بسیج منابع» است. چارلز تیلی[4] کنش جمعی را حاصل تعامل «منافع، سازمان‌دهی، بسیج و فرصت» می‌داند و بر نقش شبکه‌های میانی در تبدیل منابع پراکنده به قدرت فشرده تأکید می‌کند (تیلی، ۱۹۷۸).

بااین‌حال، مسئله‌ی نظری و عملی زمانی رخ می‌نماید که سلسله‌مراتب رسمی حکمرانی –از رهبری تا فرماندهان ارشد– دچار کاهش هماهنگی ناگهانی نهادهای رسمی شوند؛ وضعیتی که در «جنگ رمضان» (حملات مشترک آمریکا و اسرائیل در ۱۰ رمضان ۱۴۴۷ ق) و شهادت هم‌زمان رهبری و جمعی از عالی‌ترین مقامات سیاسی و نظامی عیناً تحقق یافت. در شرایط کاهش موقت هماهنگی نهادهای رسمی، آنچه مانع از بروز هرج‌ومرج گسترده و ناامنی عمومی شد، «بیداری سرمایه‌ی اجتماعی» در قالب تجمعات خودجوش و بی‌سابقه‌ی مردمی بود؛ اما پرسش بنیادین این است: چه سازوکاری این خروشِ احساسی و پراکنده را به «حرکتی عمومی، معقول و منضبط» تبدیل کرد؟

1 Putnam
2 Berger
3 Sacred Canopy
4 Tilly

پاسخ در مفهوم «حلقه‌های میانی» نهفته است. رهبر شهید انقلاب(ره) در دیدار رمضانی سال ۱۳۹۸، این مفهوم را به‌عنوان راهکار عملیِ بیانیه‌ی گام دوم چنین صورت‌بندی کردند: «این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است... به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است» (بیانات، ۱۳۹۸/۳/۱). در میان مصادیق گوناگون حلقه‌های میانی -از بسیج مردمی و مساجد تا گروه‌های جهادی- دو نهاد دینیِ «روحانیون» و «مداحان» به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های منحصربه‌فردِ معناسازی، شبکه‌سازی و هدایت عواطف جمعی، نقشی کانونی در بحران‌های ملی ایفا کرده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روحانیون به واسطه‌ی جایگاه علمی و مرجعیت دینی خود، با راهبردهایی چون «بصیرت‌افزایی، گفتمان سازی و مطالبه گری» توانسته‌اند میان مردم و ضرورت‌های دفاع ملی پل بزنند (فروهی و عبدالهی، ۱۴۰۳). در سوی دیگر، مداحان با استفاده از «سازکارهای رتوریک[۱] و روایت‌پردازی الگومحور» -مانند بازخوانی سیره‌ی حکومتی ائمه و درونی‌سازی ارزش‌ها- هیأت‌های مذهبی را به پایگاه‌های مقاومت مدنی تبدیل کرده‌اند (نثاری و همکاران، ۱۴۰۴). گزارش‌های خبری از جنگ رمضان حاکی از آن است که در روزهای نخست بحران، تجمعات عظیم خیابانی در میدان‌های اصلی شهرها، حول محور مداحان و نوحه‌خوانی‌های دسته‌جمعی شکل گرفت(تسنیم[۲]، ۱۴۰۴/۰۱۲/۲۸؛ فارس[۳]، ۱۴۰۵/۰۲/۱۲)؛ مداحانی که با نوحه‌ها و مرثیه‌های به هنگام، انرژی خشم و اندوه ملی را به حضور فیزیکی در خیابان‌ها و حمایت همه‌جانبه از نیروهای مسلح تبدیل کردند (جام جم[۴]، ۱۴۰۵/۰۳/۲۷). این پدیده -که در آن حلقه‌های میانی دینی، کارکرد «واسطه‌گریِ تولید سرمایه‌ی اجتماعی را در «شرایط کاهش هماهنگی موقت نهادهای رسمی» بر عهده می‌گیرند- تاکنون به‌صورت نظام‌مند بررسی نشده است.

---

۱ سخنوری(Rhetoric) : هنر کلامی تأثیرگذار روحانیون و مداحان برای انتقال معارف دینی با بیانی رسا

2 https://tasnimnews.ir/۳۵۴۴۷۴۹

3 https://farsnews.ir/Razieh_Belali/۱۷۷۷۷۱۴۷۱۶۳۲۱۶۱۱۰۸۸

4 https://jamejamonline.ir/۰۰۶WsZ

اهمیت و ضرورت این پژوهش ناظر به دو فقدان اساسی است: نخست، تقریباً تمامی مطالعات پیشین، نقش حلقه‌های میانی را در شرایط عادی یا بحران‌های متعارف (نظیر جنگ تحمیلی) بررسی کرده‌اند، نه در وضعیت کاهش هماهنگی موقت نهادهای حاکمیتی که ظاهراً شبکه‌های رسمی ازکارافتاده و مردم بی‌پناه مانده‌اند. دوم، با وجود گزارش‌های میدانی از مشارکت بی‌سابقه‌ی ایرانیان در جنگ رمضان -که در آن مراجعی چون آیت‌الله جوادی آملی مردم را «جزء فرشتگان خدا روی زمین» خواندند(خبرگزاری ایسنا[1]، ۱۴۰۵/۰۱/۱۲) و برای پرشور شدن تجمعات، حتی دروس خارج خود را تعطیل کردند (خبرگزاری صداوسیما[2]، ۱۴۰۵/۰۳/۲)- هنوز چارچوب نظریِ منسجمی که این مشارکت را از مجرای حلقه‌های میانی دینی (روحانیون و مداحان) به سرمایه‌ی اجتماعی پیوند دهد، ارائه نشده است. ازاین‌رو، ضرورت دارد که با بهره‌گیری از نظریه‌های سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (پاتنام)، مشروعیت بخشی دینی (برگر) و بسیج منابع (تیلی) و با تکیه‌بر تعریف رهبری از حلقه‌های میانی، این پرسش نهایی را پاسخ گفت: «حلقه‌های میانی دینی (روحانیون و مداحان) در جنگ رمضان، از چه راهکارهای عینی و معنایی برای واسطه‌گریِ تبدیل سرمایه‌ی اجتماعیِ نهفته‌ی ایرانیان به مشارکت پایدار و منضبط دفاعی بهره بردند و این فرایند چگونه در چارچوب سه نظریه‌ی یادشده قابل تبیین نظری است؟»

مبانی نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی (رابرت پاتنام)

سرمایه اجتماعی به «ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای منفعت متقابل را تسهیل می‌کنند» (پاتنام، ۲۰۰۰، ص ۱۹). این مفهوم ازآن‌جهت در تحلیل مشارکت مردمی اهمیت دارد که نشان می‌دهد چگونه شبکه‌های غیررسمی و اعتماد میان‌فردی، هزینه‌های کنش جمعی را کاهش می‌دهند. پاتنام (۲۰۰۰) میان «سرمایه اجتماعی پیوندی» (درون‌گروهی) و «سرمایه اجتماعی پل‌زن» (میان‌گروهی) تمایز قائل می‌شود. در بافتار ایران، رضانیا (۱۴۰۰) نشان داده است که سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌هایی چون

1 https://isna.ir/xdW9F3
2 https://www.iribnews.ir/۰۰OLSi

آگاهی، مشارکت و انسجام گروهی، از مهم‌ترین منابع قدرت نرم و بسیج مردمی است. در جنگ رمضان، حلقه‌های میانی دینی، سرمایه اجتماعیِ نهفته و بالقوه را به سرمایه‌ی کنشی تبدیل کردند.

مشروعیت بخشی دینی (پیتر برگر)

برگر در «چتر مقدس» (برگر، ۱۹۶۷) معتقد است دین با «استقرار نظم کیهانی به شیوه‌ای مقدس»، مهم‌ترین ابزار مشروعیت بخشی به نظم اجتماعی را فراهم می‌کند. به باور برگر، مشروعیت عبارت است از «دانش برساخت‌یافته‌ای که نظم اجتماعی را تبیین و توجیه می‌نماید». در شرایط بحرانی جنگ رمضان، روحانیون و مداحان با استناد به مفاهیمی چون «جهاد»، «دفاع از حرم» و «شهادت»، مشارکت در راهپیمایی‌ها و حمایت از نیروهای مسلح را به یک تکلیف شرعی تبدیل کردند. جوادی آملی مردم را «جزء فرشتگان خدا روی زمین» خواند — این دقیقاً مصداق «سایبان مقدس» برگر است که کنش دنیوی را به ساحت قدسی پیوند می‌زند.

بسیج منابع (چارلز تیلی)

تیلی (تیلی، ۱۹۷۸) کنش جمعی را حاصل تعامل چهار عامل می‌داند: منافع، سازمان‌دهی، بسیج و فرصت. او بر نقش شبکه‌های میانی در تبدیل منابع پراکنده (اعتماد، تعهد، زمان، انرژی) به قدرت فشرده و سازمان‌یافته تأکید می‌کند. در جنگ رمضان، با ازکارافتادگی ناگهانی ساختارهای رسمی به دلیل شهادت فرماندهان، گروه‌های جهادی (بنی‌ابراهیمی و موسوی‌نیا، ۱۴۰۲) و شبکه‌های مذهبی محلی، به‌مثابه «سازمان‌دهندگان غیرمتمرکز» عمل کردند. نثاری و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه دفاع مقدس ۱۲ روزه نشان دادند که روحانیون و مداحان با مکانیسم «سازمان‌دهی غیرمتمرکز»، هیأت‌ها را به ستادهای بحران مردمی تبدیل کردند.

نظریه حلقه‌های میانی از منظر رهبر شهید انقلاب (ره)

در دیدار با جمعی از دانشجویان در شانزدهمین روز از ماه مبارک رمضان (بیانات، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱)، رهبر شهید انقلاب برای اولین بار به‌صورت نظام‌مند و با صراحت، از «حلقه‌های میانی» به‌عنوان عنصر کلیدیِ هدایت حرکت عمومی جامعه نام بردند. ایشان ضمن طرح «بیانیه‌ی گام دوم»، چهار عنصر لازم برای یک حرکت عمومیِ معقول و منضبط را برشمردند: شناخت

صحنه، جهت‌گیری مشخص (سوی تمدن اسلامی)، وجود نقطه‌ی امیدبخش و سرانجام «راهکارهای عملی». در تبیین عنصر چهارم، مستقیماً فرمودند:

«این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم.» (بیانات، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱)

از دیدگاه ایشان، حلقه‌های میانی تشکل‌های خودجوش و مردمی‌اند که میان ساختارهای کلان حکمرانی و توده‌ی مردم قرار می‌گیرند و وظیفه‌ی «هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه» کاروان عظیم جامعه را بر عهده دارند. ایشان مصادیق عینی این حلقه‌ها را برمی‌شمارند: تشکل‌های دانشجویی، کارگروه‌های فرهنگی در مساجد، گروه‌های جهادی، گروه‌های نهضتی در مسائل بین‌الملل و فعالیت‌های اطلاعاتی مردمی. به تعبیر ربیعی و سیاوشی (۱۴۰۱)، حلقه‌های میانی نظریه‌ی راهبردی گام دوم برای «حرکت عمومی معقول و منضبط» با محوریت جوانان متعهد است.

ویژگی‌های اصلی حلقه‌های میانی از منظر رهبری عبارت‌اند از: (۱) خودجوشی و خودکار بودگی («باید خودجوش باشید، باید خودکار باشید، باید منتظر این نباشید که شما را به کار وادار کنند»)؛ (۲) انضباط و عقلانیت (حرکت نباید «غوغاسالارانه و بلبشویی» باشد)؛ (۳) جهت‌گیری به‌سوی تمدن اسلامی؛ (۴) نقش در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمن (به‌ویژه «فلج کردن نسل جوان»). در جنگ رمضان، روحانیون و مداحان به‌عنوان حلقه‌های میانی دینی عمل کردند: از یک‌سو با مشروعیت بخشی دینی (برگر) اعتماد را بازتولید کردند، از سوی دیگر با سازمان‌دهی غیرمتمرکز توده‌ها (تیلی) منابع را بسیج نمودند و بدین ترتیب سرمایه اجتماعی نهفته و بالقوه (پاتنام) را به مشارکت بالفعل و پایدار تبدیل نمودند.

جمع‌بندی مبانی نظری

چارچوب نظری این پژوهش تلفیقی از سه نظریه کلاسیک (سرمایه‌ی اجتماعی پاتنام، مشروعیت دینی برگر، بسیج منابع تیلی) با مفهوم بومی «حلقه‌های میانی» برگرفته از بیانات رهبری

است. این تلفیق امکان می‌دهد تا نقش روحانیون و مداحان در جنگ رمضان به‌عنوان واسطه‌های هوشمند تحلیل شود که در شرایط کاهش موقت هماهنگی نهادهای رسمی، با مشروعیت بخشی و سازمان‌دهی غیرمتمرکز، سرمایه‌ی اجتماعی پراکنده را به مشارکت منضبط دفاعی تبدیل کردند. پژوهش حاضر بر این مفروض استوار است که این سه نظریه، مکمل یکدیگرند و در کنار اندیشه‌ی رهبری در مورد حلقه‌های میانی، ابزار تحلیلی مناسبی برای تبیین پدیده‌ی بی‌سابقه‌ی مشارکت مردمی در جنگ رمضان فراهم می‌کنند.

پیشینهٔ پژوهش

به‌منظور ترسیم دقیق‌تر شکاف نظری و روش‌شناختی، ابتدا مرور نظام‌مندی بر پیشینه‌های علمی داخلی و خارجی (۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴) صورت می‌گیرد که خلاصه‌ای از مهم‌ترین این پژوهش‌ها در جدول (۱) ارائه‌شده است.

جدول ۱. پیشینه شناسی پژوهش

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
1	نعیمی و حبیب‌زاده (۱۴۰۴)	تحلیل ظرفیت‌های قانون اساسی ج.ا.ا در خصوص مشارکت مسئولانه مردم در عرصه حکمرانی بر اساس نظریه خلافت انسان شهید صدر	کیفی-تحلیلی (اسنادی)	قانون اساسی ایران با اصول ۶، ۸، ۲۷، ۵۶، ۱۰۰ و ۱۷۴، مشارکت مردم را در سه سطح تقنین، اجرا و نظارت تضمین کرده است. مشارکت مسئولانه، تجلی عملی «رکن مردمی مشروعیت» در نظریه شهید صدر است.
2	نثاری؛ حسینی؛ پیروزمند (۱۴۰۴)	امنیت ملی و پیوندهای اجتماعی: تحلیل نقش شبکه‌های مذهبی در دفاع مقدس ۱۲ روزه ۱۴۰۴	کیفی (داده‌بنیاد با مصاحبه از ۳۵ نفر و تحلیل ۱۲۰ کلیپ رسانه‌ای)	شبکه‌های مذهبی (روحانیون و مداحان) با سه مکانیسم «ترجمه راهبردی»، «پالایه شناختی» و «سازمان‌دهی غیرمتمرکز» به‌مثابه سپر شناختی-اجتماعی عمل کردند.

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
3	نثاری؛ حسینی؛ نظمی اردکانی؛ بابایی (۱۴۰۴)	بازتولید هویت اسلامی برای حکمرانی متعالی؛ تحلیل سازوکارهای رتوریک مداحان و سخنرانان مذهبی	کیفی (نظریه داده‌بنیاد با مصاحبه از ۳۵ خطیب و مداح)	مداحان با سه راهبرد «روایت‌پردازی الگومحور»، «درونی‌سازی ارزش‌ها» و «گفتمان سازی پیونددهنده» هویت اسلامی را بازتولید و به حکمرانی متعالی پیوند می‌زنند.
4	فروهی و عبدالهی (۱۴۰۳)	طراحی مدلی برای نقش‌آفرینی روحانیون در تمدن سازی اسلامی بر اساس الگوی داده‌بنیاد	کیفی (داده‌بنیاد با مصاحبه عمیق از ۱۴ نفر)	روحانیون با راهبردهای بصیرت‌افزایی، ساختارسازی، مطالبه گری، گفتمان سازی و نظارت راهبردی، به پیامدهایی چون نشر فرهنگ اسلامی، افزایش وحدت و تحقق اهداف تمدن سازی دست می‌یابند.
5	بنی‌ابراهیمی و موسوی‌نیا (۱۴۰۲)	بایسته‌های رفتاری گروه‌های جهادی در تعامل با ساختارهای دولتی، بنیادهای خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد (مطالعه موردی: جیرفت، عنبرآباد، کهنوج)	کیفی-تحلیلی (مطالعه میدانی ۱۷ گروه جهادی)	گروه‌های جهادی با ۳۳ مورد ارتباط متقابل با ساختارهای دولتی و ۴۶ مورد ارتباط با بنیادهای خیریه، توانسته‌اند در محرومیت‌زدایی موفق عمل کنند.
6	ربیعی و سیاوشی (۱۴۰۱)	صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران	کیفی (تحلیل مضمون با مصاحبه)	جریان حلقه‌های میانی دارای اصالتی دیرینه در تجارب جمهوری اسلامی است و مهم‌ترین مصادیق آن عبارت‌اند از: بسیج مردمی، مساجد و هیأت‌ها،

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
				گروه‌های جهادی، تشکل‌های دانشجویی.
7	مجیدی و سبزی (۱۴۰۱)	جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن سازی، با نگاهی به مقوله تحزب	کیفی (توصیفی-تحلیلی)	حلقه‌های میانی به‌مثابه حلقه وصل توده‌ها و حاکمیت، از طریق تمهید زیرساخت‌ها، آموزش و کادرسازی، ظرفیت‌های مردمی (به‌ویژه نسل جوان) را به کار می‌گیرند.
8	رضانیا (۱۴۰۰)	نقش سرمایه اجتماعی در افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	کیفی-تحلیلی (مرور نظام‌مند)	سرمایه اجتماعی (با مؤلفه‌های اعتماد، مشارکت، انسجام گروهی) از مهم‌ترین منابع قدرت نرم است و مشروعیت محور قدرت نرم بوده و سرمایه اجتماعی می‌تواند در بسیج نیروها برای تحقق اهداف نظام سیاسی به کار رود.
9	جعفری (۱۳۹۹)	کنکاشی در مدل‌های ذهنی جامعه مداحی ایران؛ تحلیل کیفی با رویکرد راهبردی	کیفی (داده‌بنیاد با مصاحبه ساختاریافته از مداحان چهار استان شمال غرب)	مدل‌های ذهنی مداحان عمدتاً ساده، دقیق، شفاف، نسبتاً سطحی و درون‌حرفه‌ای است. آنان به گذشته مداحی مفتخر و از آینده آن نگران‌اند.
۱۰	شین و کارتا[1] (2020)	نقش سازمان‌های مبتنی بر ایمان در پاسخ به سیل و بازسازی	کیفی (مطالعه میدانی)	سازمان‌های دینی در بحران‌های طبیعی، سرمایه اجتماعی را به کار گرفته و شکاف‌های موجود در پاسخ‌دهی نهادهای رسمی را پر می‌کنند؛ کارکرد «فوری و

1 Shinn & Caretta

ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
				خودجوش» این سازمان‌ها در ساعات اولیه بحران، نقشی غیرقابل جایگزین دارد.
۱۱	قبادزاده و اکبرزاده[1] (۲۰۲۰)	(دینی‌سازی سیاست در ایران: حوزه‌های علمیه شیعه به‌مثابه سنگر مقاومت)	کیفی-تحلیلی (تحلیل اسنادی و تاریخی)	حوزه‌های علمیه شیعه، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تولید سرمایه اجتماعی و بسیج سیاسی در ایران معاصر هستند؛ روحانیت حاکم با حفظ فاصله از سنت «سکوت‌گرایی» تاریخی، به کنشگری سیاسی-اجتماعی روی آورده و شبکه‌های مذهبی را به ظرفیتی در حکمرانی و مشارکت‌دهی تبدیل کرده است.

بررسی پیشینه‌های داخلی و خارجی در پنج سال اخیر نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده را می‌توان در چهار دسته سامان داد:

دسته نخست، مطالعات ناظر بر ظرفیت‌های نهادی و قانونی مشارکت (نعیمی و حبیب‌زاده، ۱۴۰۴؛ بنی‌ابراهیمی و موسوی‌نیا، ۱۴۰۲) هستند که عمدتاً به ساختارهای رسمی و نیمه‌رسمی (قانون اساسی، گروه‌های جهادی، دولت و خیریه‌ها) پرداخته‌اند، اما نقش نهادهای دینی غیررسمی با محوریت عواطف جمعی (مداحان) را مغفول گذاشته‌اند.

دسته دوم، مطالعات نظری در مورد حلقه‌های میانی (مجیدی و سبزی، ۱۴۰۱؛ ربیعی و سیاوشی، ۱۴۰۱) هستند که هرچند مفهوم را صورت‌بندی کرده‌اند، اما کاربست آن را در وضعیت بحرانی کاهش هماهنگی موقت نهادهای رسمی (مانند شهادت رهبری و فرماندهان) واکاوی نکرده‌اند.

1 Ghobadzadeh & Akbarzadeh

دسته سوم، مطالعات تخصصی در مورد روحانیون و مداحان (فروهی و عبدالهی، ۱۴۰۳؛ نثاری و همکاران، ۱۴۰۴؛ جعفری، ۱۳۹۹) هستند که گرچه ظرفیت‌های آنان را در شرایط عادی و بحران‌های متعارف نشان داده‌اند، اما به‌طور خاص جنگ رمضان را از منظر تبدیل سرمایه اجتماعی نهفته و بالقوه به مشارکت پایدار بررسی نکرده‌اند.

دسته چهارم، پژوهش‌های خارجی مرتبط هستند که نشان داده‌اند چگونه شبکه‌های دینی در بحران‌های مختلف (از آلودگی محیط‌زیست و سیل‌های طبیعی گرفته تا تحولات سیاسی) با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، شکاف‌های موجود در پاسخ‌دهی نهادهای رسمی را پر می‌کنند. بااین‌حال، این مطالعات در بافتار ایران و با تأکید بر نهادهای خاصی چون «روحانیون»، «مداحان» و «هیأت‌های مذهبی» انجام‌نشده‌اند و به‌طور مشخص به وضعیت کاهش موقت هماهنگی نهادهای رسمی در بالاترین سطوح حکمرانی (شهادت هم‌زمان رهبری و فرماندهان) نپرداخته‌اند.

شکاف اصلی پژوهش در فقدان مدلی است که نشان دهد حلقه‌های میانی دینی (روحانیون و مداحان) در شرایط کاهش موقت هماهنگی نهادهای رسمی چگونه با استفاده از سرمایه اجتماعی انباشته‌شده، آن را به مشارکت مردمیِ منضبط و جهت‌دار تبدیل می‌کنند. پژوهش حاضر با تکیه‌بر نظریه‌های سه‌گانه پاتنام (سرمایه اجتماعی)، برگر (مشروعیت دینی) و تیلی (بسیج منابع) و با استفاده از مفهوم حلقه‌های میانی رهبری، درصدد پر کردن این خلأ برآمده است.

روش‌شناسی پژوهش

بر اساس الگوی پیاز پژوهش (ساندرز[1] و همکاران، ۲۰۱۹)، لایه‌های روش‌شناسی این پژوهش بدین شرح تدوین گردید: فلسفه‌ی پژوهش از نوع تفسیری-ساختارگرا[2] انتخاب شد؛ رویکرد پژوهش استقرایی[3] بود؛ استراتژی پژوهش از نوع نظریه‌پردازی داده‌بنیاد[4] با رویکرد نظام‌مند (خوربین و اشتراوس[5]، ۱۹۹۸) در نظر گرفته شد؛ انتخاب پژوهش در قالب مطالعات موردی

1 Saunders
2 Interpretivism
3 Inductive
4 Grounded Theory
5 Corbin & Strauss

واحد[1] انجام گرفت؛ بازه‌ی زمانی پژوهش مقطعی-طولی[2] و روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق بود.

جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی خبرگان و نقش‌آفرینان مرتبط با جنگ رمضان (اسفند ۱۴۰۴) بود. نمونه‌ی پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب گردید. بدین منظور، ۲۰ مصاحبه با خبرگان (۷ روحانی فعال در بحران، ۷ مداح دارای نقش میدانی، سه فرماندهی بسیج مردمی و سه پژوهشگر نظامی) انجام شد. اشباع نظری پس از مصاحبه‌ی ۱۸ به دست آمد، اما برای اطمینان از اشباع کامل، دو مصاحبه‌ی دیگر نیز صورت پذیرفت.

ابزار اصلی پژوهش، راهنمای مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته بود که با بهره‌گیری از چارچوب نظری حلقه‌های میانی تدوین گردید. روایی ابزار با استفاده از روش روایی محتوایی[3] و تأیید سه تن از اساتید دانشگاهی احراز شد. برای محاسبه‌ی پایایی مصاحبه‌ها، از روش توافق درون‌موضوعی (بازآزمون) با فاصله‌ی دو هفته روی دو مصاحبه‌ی نخست استفاده شد که ضریب توافق ۸۸ درصد به دست آمد. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری سه مرحله‌ای اشتراوس و کوربین (باز، محوری و گزینشی) انجام پذیرفت.

پژوهش در شش مرحله به انجام رسید: (۱) بررسی ادبیات نظری و تعیین شکاف پژوهشی؛ (۲) تدوین پروتکل مصاحبه و تأیید روایی آن؛ (۳) شناسایی و دعوت از خبرگان با روش نمونه‌گیری گلوله برفی؛ (۴) اجرای مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته (هر مصاحبه به‌طور میانگین ۷۵ دقیقه به طول انجامید)؛ (۵) پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و کدگذاری مفاهیم؛ (۶) خروجی‌گیری و اعتباریابی یافته‌ها با روش بازخورد به مشارکت‌کنندگان[4].

یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در قالب جدول (۲) ارائه‌شده است.

1 Single Case Study
2 Cross-sectional with longitudinal follow-up
3 CVR
4 Member Checking

جدول ۲. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

گروه خبرگان	تعداد	جنسیت	محدوده سنی (سال)	سابقه‌ی فعالیت در بحران (سال)
روحانیون فعال در بحران	۷	مرد (۱۰۰٪)	۶۵–۴۵	۳۵–۱۵
مداحان دارای نقش میدانی	۷	مرد (۱۰۰٪)	۵۵–۳۰	۲۵–۱۰
فرماندهان بسیج مردمی	۳	۲ مرد، ۱ زن	۶۰–۴۰	۴۰–۲۰
پژوهشگران نظامی	۳	۲ مرد، ۱ زن	۵۰–۳۵	۲۰–۸
مجموع	۲۰	۱۸ مرد، ۲ زن	۶۵–۳۰	۴۰–۸

کلیه‌ی مشارکت‌کنندگان دارای تجربه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم حضور در بحران جنگ رمضان (اسفند ۱۴۰۴) بوده‌اند. روحانیون و مداحان عمدتاً در شهرهای تهران، قم، مشهد و اصفهان فعال بوده‌اند. فرماندهان بسیج مردمی سابقه‌ی فرماندهی در مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور را داشتند. پژوهشگران نظامی نیز همگی دارای آثار تألیفی یا پژوهشی در حوزه‌ی دفاع مقدس و جنگ‌های ترکیبی بودند.

پس از کدگذاری باز، محوری و گزینشی مصاحبه‌ها با خبرگان جنگ رمضان، مدل پارادایمی نظریه‌ی داده‌بنیاد بر اساس رویکرد اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) ترسیم گردید. شش مقوله‌ی اصلی شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده محوری، راهبردها و پیامدها شناسایی شدند. نخستین مقوله، شرایط علی است.

مقوله شرایط علی

شرایط علی، عواملی هستند که به‌صورت مستقیم زمینه‌ساز پیدایش پدیده‌ی محوری (نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی دینی) شده‌اند. سه کد گزینشی در این مقوله عبارت‌اند از: (۱) کاهش هماهنگی موقت نهادهای رسمی، (۲) فعال‌سازی سرمایه‌ی اجتماعی موجود در شبکه‌های دینی و (۳) بروز تهدیدات ترکیبی هم‌زمان.

جدول ۳. شرایط علی

کد گزینشی	کد محوری
۱. کاهش هماهنگی موقت	۱–۱. شهادت جمعی از فرماندهان ارشد

کد گزینشی	کد محوری
نهادهای رسمی	۱-۲. خلأ موقت در اطلاع‌رسانی رسمی
	۱-۳. افزایش محتوای قطبی کننده در فضای مجازی
	۱-۴. کاهش موقت پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی
	۱-۵. نبود یک مرجع واحد برای کسب خبر موثق
۲. فعال‌سازی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه‌های دینی	۲-۱. اعتماد پیشین مردم به روحانیون محلی
	۲-۲. ظرفیت سازمانی هیأت‌های مذهبی برای تجمع
	۲-۳. موقعیت مساجد به‌عنوان کانون‌های دسترسی‌پذیر
	۲-۴. تأثیرگذاری بیانیه‌های مراجع تقلید
	۲-۵. در دسترس بودن الگوهای رفتاری آیینی (عاشورایی)
۳. بروز تهدیدات ترکیبی	۳-۱. هم‌زمانی حملات فیزیکی و مجازی
	۳-۲. طرح گفتمان تجزیه و تغییر حاکمیت توسط رسانه‌های خارجی
	۳-۳. افزایش احساس نیاز به تصمیم جمعی
	۳-۴. نبود اطلاعات موثق از وضعیت کلی کشور
	۳-۵. ضرورت بازسازی سریع انسجام اجتماعی

جدول بالا نشان می‌دهد که سه دسته عامل «کاهش هماهنگی نهادهای رسمی»، «فعال‌سازی سرمایه‌ی اجتماعی موجود» و «بروز تهدیدات ترکیبی» به‌صورت موازی و با نسبت‌های متفاوت در شکل‌گیری نقش حلقه‌های میانی دینی مؤثر بوده‌اند. نکته‌ی قابل‌تأمل آن است که نبود یک مرجع واحد اطلاع‌رسانی (کد گزینشی ۱، کد محوری ۵) و نبود اطلاعات موثق از وضعیت کشور (کد گزینشی ۳، کد محوری ۴) موجب شد مردم به‌طور طبیعی به سراغ شبکه‌هایی بروند که پیش از بحران نیز با آن‌ها تعامل داشته‌اند. در این میان، هیأت‌های مذهبی و مساجد به دلیل دارا بودن «ظرفیت سازمانی از پیش موجود» (کد محوری ۲-۲) و «موقعیت دسترسی‌پذیر» (کد محوری ۲-۳)، توانستند بدون نیاز به ساختار فرماندهی جدید، نقش میانجی را ایفا کنند. همچنین در دسترس بودن الگوهای رفتاری آیینی (کد محوری ۲-۵) — مانند هماهنگی خودجوش دسته‌های سینه‌زنی — نشان می‌دهد که فرهنگ عاشورایی در این بافتار، به‌مثابه یک «الگوی حرکتی آماده» عمل کرده است بدون آنکه نیاز به طراحی مجدد سازوکارهای مشارکت باشد؛ بنابراین، شرایط علی در جنگ

رمضان بیش از آن‌که ناشی از فرمان یا برنامه‌ریزی متمرکز باشد، حاصل همگرایی خودجوش سه دسته عامل با یکدیگر بود.

مقوله محوری (پدیده مرکزی)

پدیده محوری، هسته‌ی مرکزی پژوهش است که سایر مقوله‌ها به آن اشاره دارند. در این پژوهش، پدیده محوری عبارت است از «نقش‌آفرینی روحانیون و مداحان به‌عنوان حلقه‌های میانی دینی در واسطه‌گری، معنابخشی و تسهیل مشارکت مردمی طی بحران». سه کد گزینشی برای این پدیده عبارت‌اند از: (۱) مرجعیت اطلاعاتی و تفسیری روحانیون برای مردم در خلأ خبری، (۲) فراخوانی، سازمان‌دهی و جهت‌دهی تجمعات توسط مداحان از طریق آیین‌ها و نوحه‌ها و (۳) همکاری مکمل روحانیون و مداحان در تولید سرمایه اجتماعی پیوندی و پل‌زن.

جدول ۴. مقوله و پدیده محوری

کد گزینشی	کد محوری
۱. مرجعیت تفسیری روحانیون برای مردم در خلأ خبری	۱-۱. پالایش و تأیید اطلاعات توسط روحانیون در نمازها و سخنرانی‌ها
	۱-۲. ارائه تفسیر شرعی از وضعیت بحران و تعیین تکلیف عملی
	۱-۳. تعطیلی دروس خارج توسط مراجع و حضور در جمع مردم
	۱-۴. تبدیل مساجد به پایگاه‌های مشاوره و تصمیم‌گیری محله‌ای با مدیریت روحانیون
	۱-۵. صدور بیانیه‌های گروهی از سوی مجامع علمی و روحانیون شاخص
۲. سازمان‌دهی میدانی تجمعات توسط مداحان	۲-۱. استفاده از زمان و مکان جلسات هفتگی هیأت برای فراخوان خودجوش
	۲-۲. طراحی و پخش نوحه‌های جدید با مضامین متناسب با بحران
	۲-۳. حرکت دسته‌های سینه‌زنی در خیابان‌ها به‌مثابه راهپیمایی سازمان‌یافته
	۲-۴. هماهنگی مداحان شاخص از طریق شبکه‌های غیررسمی
	۲-۵. استفاده از نمادهای بصری هیأت (پرچم، کتل، لباس) برای ایجاد همبستگی
۳. همکاری مکمل روحانیون و مداحان	۳-۱. پیوند میان سخنرانی روحانی و نوحه مداح در یک بسته معنایی واحد
	۳-۲. ارجاع متقابل مردم به روحانی برای تکلیف و به مداح برای همراهی عاطفی
	۳-۳. استفاده از ظرفیت هیأت برای تبیین حکم شرعی در زبان عاطفی
	۳-۴. رصد و خنثی‌سازی شایعات با ترکیب تحلیل روحانی و انتشار مداح
	۳-۵. گسترش شبکه‌های محلی با رهبری مشترک روحانی و مداح

نکته‌ی اصلی در پدیده محوری پژوهش حاضر، توزیع کارکردی مکمل و غیرقابل جایگزین میان روحانیون و مداحان است. کد گزینشی اول نشان می‌دهد که روحانیون عمدتاً کارکرد مرجعیت اطلاعاتی، تفسیر شرعی و تعیین تکلیف را بر عهده داشته‌اند (کدهای محوری ۱-۱ تا ۱-۵)؛ نقشی که مداحان به دلیل فقدان جایگاه فتوایی نمی‌توانستند ایفا کنند. در مقابل، کد گزینشی دوم نشان می‌دهد که مداحان کارکرد فراخوانی عاطفی، سازمان‌دهی فضایی و جهت‌دهی حرکتی را انجام داده‌اند (کدهای محوری ۲-۱ تا ۲-۵)؛ نقشی که معمولاً از روحانیون ساکن و غیرفعال برنمی‌آید.

اما نکته‌ی بدیع و شاید مهم‌ترین یافته آن است که تنها هیچ‌کدام به‌تنهایی کارآمد نبودند؛ آنچه سرمایه اجتماعی را به مشارکت بالفعل تبدیل کرد، همکاری مکمل آن‌ها بود (کد گزینشی سوم). در این همکاری، روحانی «تکلیف شرعی حضور» را صادر می‌کرد و مداح با نوحه و سینه‌زنی، «مسیر و زمان و عاطفه‌ی حضور» را تعیین می‌نمود؛ به‌عبارت‌دیگر، حلقه‌ی میانی دینی در جنگ رمضان نه یک نهاد واحد، بلکه یک جفت کارکردی به‌هم‌پیوسته بود که در غیاب هر یک، حلقه‌ی میانی دچار نقص اساسی می‌شد. این هم‌افزایی چنان طبیعی و خودجوش انجام می‌گرفت که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از آن به‌عنوان «فهم مشترک نانوشته» یادکرده‌اند؛ بنابراین، پدیده محوری را باید «نظام مکمل روحانی-مداح» به‌مثابه حلقه‌ی میانی دینی در نظر گرفت که نه از پیش طراحی‌شده بود و نه بر اساس فرمانی متمرکز، بلکه در دل بحران و مبتنی بر سرمایه‌ی معنایی و سازمانی از پیش موجود، خود را بازتولید کرد.

مقوله زمینه‌ای

مقوله زمینه‌ای به مجموعه‌ای از عوامل محیطی، فرهنگی، تاریخی و ساختاری اشاره دارد که بستر مناسبی برای ظهور و تداوم پدیده محوری (نقش‌آفرینی روحانیون و مداحان) فراهم کرده‌اند. در این پژوهش، سه کد گزینشی برای مقوله زمینه‌ای شناسایی گردید: (۱) بستر فرهنگی-مذهبی جامعه ایران با تأکید بر آیین‌های عاشورایی و هیأت‌های محلی، (۲) ساختار پراکنده و خودجوش نهادهای دینی (مساجد، حوزه‌ها، هیأت‌ها) و (۳) تجربه‌ی تاریخی مشارکت دینی در بحران‌های پیشین (دفاع مقدس، بلایای طبیعی، اغتشاشات).

جدول ۵. شرایط زمینه‌ای

کد گزینشی	کد محوری
۱. بستر فرهنگی-عاشورایی جامعه ایران و هیأت‌های محلی	۱-۱. آشنایی عموم مردم با الگوهای حرکتی سینه‌زنی و دسته‌گردانی
	۱-۲. حضور منظم مردم در هیأت‌های هفتگی و ماهانه پیش از بحران
	۱-۳. جایگاه و اعتبار اجتماعی روحانیون در محله‌ها و شهرستان‌ها
	۱-۴. ذخیره معنایی از مفاهیم شهادت، دفاع از حرم و امربه‌معروف
	۱-۵. تقویم مناسبت‌های مذهبی هم‌زمان با بحران (ماه رمضان)
۲. ساختار پراکنده و خودجوش نهادهای دینی (مساجد، حوزه‌ها، هیأت‌ها)	۲-۱. عدم تمرکز و استقلال هیأت‌های مذهبی از دولت و حکومت
	۲-۲. گستردگی شبکه‌های مساجد در سطح محله‌ها و روستاها
	۲-۳. نظام آموزشی حوزه‌های علمیه با تأکید بر پاسخگویی به نیازها
	۲-۴. ارتباطات شبکه‌ای میان مداحان شاخص در سراسر کشور
	۲-۵. بسترهای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی داخلی برای انتشار سریع
۳. تجربه‌ی تاریخی مشارکت دینی در بحران‌ها(دفاع مقدس، بلایای طبیعی، اغتشاشات)	۳-۱. حضور و نقش‌آفرینی روحانیون در جبهه‌های جنگ تحمیلی
	۳-۲. عملکرد مداحان در دفاع مقدس و حوادث بعدی
	۳-۳. موفقیت گروه‌های جهادی و خیریه‌های مذهبی در بلایای طبیعی
	۳-۴. تأکیدات رهبری بر نقش حلقه‌های میانی (سخنرانی رمضان ۱۳۹۸)
	۳-۵. خنثی‌سازی تهدیدات با اتکا به حضور مردمی در مساجد و هیأت‌ها

مقوله زمینه‌ای نشان می‌دهد که هیچ‌یک از نقش‌آفرینی‌های روحانیون و مداحان در جنگ رمضان در خلأ رخ نداد؛ بلکه لایه‌های زیرین فرهنگی و ساختاری از پیش وجود داشتند. سه نکته در این مقوله حائز اهمیت است:

نخست، بستر فرهنگی-مذهبی (کد گزینشی اول) به‌گونه‌ای بود که تقریباً همه‌ی شهروندان — حتی آنانی که تعلق سازمانی به هیأتی نداشتند — با الگوهای حرکتی سینه‌زنی و دسته‌گردانی آشنایی داشتند. این آشنایی نه به معنای آموزش نظام‌مند، بلکه به‌مثابه «دانش ضمنی جمعی» عمل کرد که هزینه‌های هماهنگی را به‌شدت کاهش داد. به تعبیر مصاحبه‌شوندگان، «همه می‌دانستند در دسته کجا بایستند و چه کنند».

دوم، ساختار پراکنده و خودجوش نهادهای دینی (کد گزینشی دوم) نقطه‌ی قوتی بود نه ضعف. عدم تمرکز و استقلال هیأت‌ها از دولت، آن‌ها را در کاهش موقت هماهنگی نهادهای رسمی، نخستین و آماده‌ترین جایگزین معرفی کرد. درحالی‌که نهادهای رسمی منتظر دستور از بالا بودند، هر مسجد و هیأتی مستقل و خودجوش تصمیم‌گیری می‌کرد. این ویژگی با تأکید رهبری بر «خودجوشی و خودکار بودگی» حلقه‌های میانی (سخنرانی رمضان ۱۳۹۸) کاملاً همخوانی دارد.

سوم، تجربه‌ی تاریخی (کد گزینشی سوم) نشان می‌دهد که روحانیون و مداحان قبلاً در بحران‌هایی مانند دفاع مقدس، بلایای طبیعی و اغتشاشات، نقش خود را اثبات کرده بودند. این پیشینه‌ی موفق، سرمایه‌ی اعتماد را به حدی انباشته کرده بود که در لحظه‌ی بحران، مردم بدون تردید به سراغ همان نهادهای آشنا رفتند. به‌ویژه، پیش‌بینی و تأکید رهبری بر حلقه‌های میانی (کد محوری ۳-۴) یک سال پیش از واقعه، عملاً یک «سناریوی ذهنی آماده» در اختیار فعالان دینی قرار داده بود که در عمل به‌سرعت فعال شد.

بنابراین، مقوله زمینه‌ای نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی دینی پیش از بحران وجود داشتند، نه اینکه در بحران ایجادشده باشند (وجه تمایز با نظریه‌های سنتی بسیج منابع). جنگ رمضان صرفاً این شبکه‌ها را از حالت نهفته و بالقوه به حالت فعال تبدیل کرد.

مقوله مداخله‌گر

مقوله مداخله‌گر به عواملی اشاره دارد که در یک بستر زمینه‌ای مشخص، روند تأثیرگذاری پدیده محوری (نقش‌آفرینی روحانیون و مداحان) بر راهبردها و پیامدها را تسهیل یا محدود می‌کنند. در این پژوهش، سه کد گزینشی برای مقوله مداخله‌گر شناسایی گردید: (۱) واکنش نهادهای رسمی و اجرایی به حضور خودجوش مساجد و هیأت‌ها، (۲) کیفیت و سرعت دسترسی به اطلاعات موثق در ساعات اولیه بحران و (۳) سطح آمادگی و انسجام درونی شبکه‌های روحانیون و مداحان.

جدول ۶. شرایط مداخله‌گر

کد گزینشی	کد محوری
۱. واکنش نهادهای رسمی به حضور	۱-۱. برخورد تسهیل‌گرانه یا بازدارنده نیروی انتظامی با تجمعات
	۱-۲. همراهی یا عدم همراهی رسانه ملی در پوشش تجمعات

کد گزینشی	کد محوری
خودجوش مساجد و هیأت‌ها	۱-۳. واکنش دولت و استانداری‌ها به درخواست‌های حلقه‌های میانی
	۱-۴. نقش نهادهای غیر درگیر در کنترل شایعات (با محوریت روحانیون)
	۱-۵. موضع نهادهای رسمی در تعامل با حلقه‌های میانی
۲. کیفیت و سرعت دسترسی به اطلاعات موثق در ساعات اولیه بحران	۲-۱. در دسترس بودن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی داخلی
	۲-۲. کارایی شبکه‌های ارتباطی جایگزین (بلندگوهای مساجد، پیامک همگانی)
	۲-۳. سرعت پخش بیانیه‌های مراجع و روحانیون شاخص
	۲-۴. توانمندی مداحان در تبدیل اخبار رسمی به زبان عاطفی و قابل پخش
	۲-۵. وضعیت زیرساخت‌های ارتباطی در مناطق مختلف (شهرهای بزرگ)
۳. سطح آمادگی، انسجام و اعتماد میان روحانیون و مداحان	۳-۱. سابقه همکاری پیشین روحانیون و مداحان در بحران‌های گذشته
	۳-۲. میزان پراکندگی یا انسجام در مواضع علمای شاخص
	۳-۳. وجود شبکه‌های غیررسمی ارتباطی میان مداحان سراسر کشور
	۳-۴. توان مدیریت بحران و رهبری محلی در میان روحانیون مسجد
	۳-۵. میزان اعتماد مردم به مداحان خاص (سابقه، صداقت، شجاعت)

مقوله مداخله‌گر نشان می‌دهد که نقش‌آفرینی روحانیون و مداحان در جنگ رمضان تحت تأثیر سه دسته عامل تسهیل‌کننده یا محدودکننده قرار داشت. نخست، واکنش نهادهای رسمی (کد گزینشی اول) تعیین می‌کرد که آیا مساجد و هیأت‌ها می‌توانند آزادانه عمل کنند یا با مانع مواجه شوند. یافته‌ها حاکی از آن است که در اغلب موارد، نهادهای اجرایی و انتظامی رویکرد «تسهیلگری محتاطانه» (نه مداخله مستقیم و نه بازدارندگی کامل) را در پیش گرفتند که این خود فضایی برای فعالیت حلقه‌های میانی فراهم کرد.

دوم، کیفیت و سرعت دسترسی به اطلاعات (کد گزینشی دوم) نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. آنچه عمل روحانیون و مداحان را از سایر گروه‌های همبستگی متمایز می‌کرد، توانایی آن‌ها در تبدیل اخبار رسمی (هرچند دیرهنگام) به زبان عاطفی و آیینی (کد محوری ۲-۴) بود. مداحان عملاً نقش «مترجم احساسی اطلاعات» را ایفا می‌کردند؛ نقشی که رسانه‌های رسمی از انجام آن ناتوان بودند.

سوم، آمادگی درونی خود روحانیون و مداحان (کد گزینشی سوم) یک متغیر کلیدی بود. هرچه سابقه‌ی همکاری پیشین میان روحانی محل و مداح هیأت بیشتر بود، هماهنگی سریع‌تر و مؤثرتر اتفاق می‌افتاد. همچنین، وجود شبکه‌های غیررسمی ارتباطی میان مداحان سراسر کشور (کد محوری ۳-۳) باعث شد بدون نیاز به ساختار متمرکز، محتوای نوحه‌ها و اشعار در شهرهای مختلف هماهنگ باشد. این هماهنگی خودجوش و هم‌زمان، به اعتقاد برخی مصاحبه‌شوندگان، حتی از سیستم‌های برنامه‌ریزی رسمی نیز کارآمدتر عمل کرد.

نکته‌ی مهم آن است که نبود یک عامل مداخله‌گر منفی غالب (مثلاً سرکوب گسترده یا قطع کامل ارتباطات) به حلقه‌های میانی اجازه داد فضای لازم برای نقش‌آفرینی را پیدا کنند. درعین‌حال، نابرابری در زیرساخت‌ها (کد محوری ۲-۵) میان شهرهای بزرگ و شهرستان‌های دورافتاده، تأثیر مداخله‌گر مثبتی بود که به نفع مراکز و به ضرر حاشیه عمل کرد.

مقوله راهبردها

مقوله راهبردها به مجموعه اقدامات، کنش‌ها و واکنش‌هایی اشاره دارد که حلقه‌های میانی دینی (روحانیون و مداحان) در مواجهه با پدیده محوری و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، برای تقویت سرمایه اجتماعی مشارکت مردمی در جنگ رمضان به کار گرفته‌اند. در این پژوهش، سه کد گزینشی برای مقوله راهبردها شناسایی گردید: (۱) راهبردهای معنابخشی و مشروعیت سازی دینی مشارکت توسط روحانیون، (۲) راهبردهای عاطفی و حرکتی برای سازمان‌دهی تجمعات توسط مداحان و (۳) راهبردهای ارتباطی و اطلاعاتی مشترک برای حفظ انسجام و خنثی‌سازی شایعات.

جدول ۷. راهبردها

کد گزینشی	کد محوری
۱. معنابخشی و مشروعیت سازی دینی توسط روحانیون	۱-۱. صدور حکم شرعی و بیانیه‌های جمعی بر وجوب حضور در تجمعات
	۱-۲. تفسیر تطبیقی عاشورا با وضعیت روز
	۱-۳. تقدیس حضور در خیابان از طریق انذار و تبشیر دینی
	۱-۴. پیوند میان تکالیف فردی (نماز، روزه، دعا) با ضرورت مشارکت جمعی
	۱-۵. منع سخنان تفرقه‌انگیز و کاهش‌دهنده انگیزه
۲. فراخوانی عاطفی و	۲-۱. انتخاب و پخش نوحه‌های با وزن و ریتم متناسب با راهپیمایی

کد گزینشی	کد محوری
حرکتی توسط مداحان	۲-۲. حرکت دسته‌های سینه‌زنی از هیأت به خیابان اصلی بدون فرمان قبلی
	۲-۳. هماهنگی بین مداحان چند هیأت مجاور برای تجمعات بزرگ‌مقیاس
	۲-۴. استفاده از ظرفیت شب‌های قدر و احیا برای تجمعات شبانه
	۲-۵. طراحی شعارهای ترکیبی (دینی-ملی) با وزن و قابلیت تکرار جمعی
۳. راهبردهای ارتباطی و اطلاعاتی مشترک	۳-۱. باز نشر سریع بیانیه‌های روحانیون توسط مداحان در شبکه‌های هیأت
	۳-۲. تشکیل گروه در پیام‌رسان محلی با مدیریت مشترک روحانی و مداح
	۳-۳. تکذیب شایعات از طریق منبر و نوحه به‌صورت هماهنگ
	۳-۴. پخش زنده تجمعات در شبکه‌های اجتماعی هیأت‌ها
	۳-۵. هماهنگی محتوایی در استفاده از هشتگ‌ها و نمادها

سه دسته راهبرد شناسایی‌شده در جنگ رمضان نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی دینی از تمایز کارکردی طبیعی خود بهره بردند. راهبردهای دسته اول (محوریت روحانیون) عمدتاً ناظر بر بعد معنایی و مشروعیت بخش بود: روحانیون با تکیه‌بر جایگاه شرعی و مرجعیت دینی خود، حضور در خیابان را از یک انتخاب شخصی به یک تکلیف شرعی و الزام جمعی تبدیل کردند (کدهای محوری ۱-۱ تا ۱-۳). این کارکرد بدون حضور روحانیون یا با هر نهاد دیگری قابل‌جایگزینی نبود.

در مقابل، راهبردهای دسته دوم (محوریت مداحان) عمدتاً ناظر بر بعد عاطفی، حرکتی و سازمان‌دهی فیزیکی بود. مداحان با استفاده از ظرفیت‌های خاص خود – ازجمله انتخاب ریتم نوحه متناسب با راهپیمایی (کد محوری ۲-۱)، حرکت خودجوش دسته‌ها به خیابان (کد محوری ۲-۲) و هماهنگی بین چند هیأت (کد محوری ۲-۳) – مشارکت خام را به تجمعاتی منضبط و جهت‌دار تبدیل کردند. نکته بدیع آنکه مداحان بدون داشتن هیچ سمت رسمی، به‌طور خودجوش نقش «رهبری میدانی» را بر عهده گرفتند.

راهبردهای دسته سوم (محوریت مشترک) نشان می‌دهد که موفقیت نهایی حاصل تعامل و هم‌پوشی دو دسته راهبرد قبلی بود. نه صرف حکم شرعی (روحانی) و نه صرف نوحه (مداح) برای حفظ انسجام و خنثی‌سازی شایعات کافی بود. آنچه شبکه‌های اطلاع‌رسانی هیأت‌ها را کارآمد کرد، نظارت دوگانه (کد محوری ۳-۲) و تکذیب هماهنگ (کد محوری ۳-۳) توسط هر دو نهاد بود؛ به‌عبارت‌دیگر، راهبرد غالب در جنگ رمضان نه «روحانی‌محور صرف» بود و نه «مداح‌محور

صرف»، بلکه راهبرد دوگانه و مکمل ای که در آن هر یک از دو رکن حلقه‌ی میانی دینی، متناسب با ظرفیت خود ایفای نقش می‌کردند.

مقوله پیامدها

مقوله پیامدها به نتایج و برون‌دادهای حاصل از به‌کارگیری راهبردها توسط حلقه‌های میانی دینی (روحانیون و مداحان) در فرایند تقویت سرمایه اجتماعی مشارکت مردمی در جنگ رمضان اشاره دارد. در این پژوهش، سه کد گزینشی برای مقوله پیامدها شناسایی گردید: (۱) افزایش کمّی و کیفی مشارکت مردمی در تجمعات و حمایت از نیروهای مسلح، (۲) بازتولید سرمایه اجتماعی و اعتماد به نهادهای دینی در بحران‌های آتی و (۳) ایجاد الگوی بومی خودجوش برای مدیریت مشارکت عمومی در شرایط کاهش موقت هماهنگی نهادهای رسمی.

جدول ۸. پیامدها

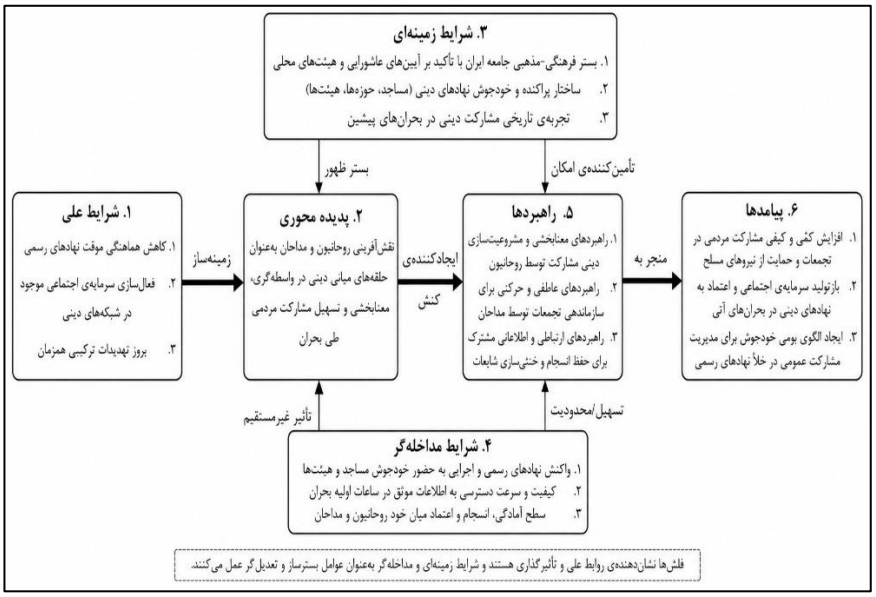
کد گزینشی	کد محوری
۱. افزایش کمّی و کیفی مشارکت مردمی	۱-۱. رشد چشمگیر شمار شرکت‌کنندگان
	۱-۲. استمرار مشارکت حتی پس از آتش‌بس
	۱-۳. گسترش جغرافیایی مشارکت از کلان‌شهرها به شهرستان‌ها و روستاها
	۱-۴. تنوع اقشار مشارکت‌کننده فراتر از اعضای هیأت‌ها
	۱-۵. کنشگری فعال (تولید محتوا، پشتیبانی)
۲. بازتولید سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد نهادی در بحران‌های آتی	۲-۱. افزایش اعتماد عمومی به مرجعیت روحانیون
	۲-۲. تثبیت جایگاه مداحان به‌عنوان رهبران عاطفی و اجتماعی
	۲-۳. انباشت سرمایه اجتماعی پیوندی در سطح محله‌ها (افزایش همبستگی)
	۲-۴. بازسازی شبکه‌های آسیب‌دیده در بحران‌های پیشین
	۲-۵. تبدیل سرمایه اجتماعی دینی به سرمایه ملی (فراجناحی)
۳. ایجاد الگوی بومی خودجوش مدیریت بحران	۳-۱. ثبت الگوی خودجوشِ انسجام آفرینی
	۳-۲. شکل‌گیری هسته‌های میانی جدید (شخصیت‌ها و گروه‌ها)
	۳-۳. انتقال دانش و تجربه به نسل جوان از طریق آموزش غیررسمی در هیأت‌ها
	۳-۴. بازتعریف مرز میان نقش نهادهای رسمی و حلقه‌های میانی در مدیریت بحران
	۳-۵. افزایش تاب‌آوری و خودباوری ملی مبتنی بر تجربه مشارکت موفق

پیامدهای شناسایی‌شده در سه سطح قابل‌تحلیل هستند. سطح نخست (کد گزینشی اول) به پیامدهای مستقیم و عینی در خود بحران اشاره دارد: افزایش کمّی و کیفی مشارکت مردمی، تداوم زمانی آن، گسترش جغرافیایی و تنوع اقشاری. این پیامدها نشان می‌دهند که راهبردهای حلقه‌های میانی نه‌تنها موفق بوده، بلکه از پیش‌بینی اولیه نیز فراتر رفته است.

سطح دوم (کد گزینشی دوم) به پیامدهای نهادی و ساختاری برای آینده اشاره دارد: بازتولید سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد به روحانیون، تثبیت جایگاه مداحان به‌عنوان رهبران اجتماعی و انباشت سرمایه پیوندی در محله‌ها. این پیامدها حاکی از آن است که بحران علیرغم تمام هزینه‌های خود، منجر به بازسازی و تقویت شبکه‌های اعتماد شد که در دوره‌های پیشین دچار فرسایش شده بودند.

سطح سوم (کد گزینشی سوم) به پیامدهای کلان‌تر و نظری برای نظام مدیریت بحران کشور اشاره دارد: ایجاد الگوی بومی خودجوش، شکل‌گیری هسته‌های میانی جدید، انتقال تجربه به نسل جوان و افزایش تاب‌آوری ملی. این سطح نشان می‌دهد که تجربه جنگ رمضان صرفاً یک رویداد تاریخی نیست، بلکه یک درس‌آموخته‌ی عملیاتی برای آینده است.

درمجموع، مدل پارادایمی پژوهش نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی دینی (روحانیون و مداحان) در جنگ رمضان با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی انباشته‌شده و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای مساعد و عوامل مداخله‌گر نسبتاً تسهیل‌کننده، مجموعه‌ای از راهبردهای معنابخش، عاطفی–حرکتی و ارتباطی را به کار گرفتند که پیامد آن تقویت بی‌سابقه مشارکت مردمی و بازتولید سرمایه اجتماعی در سطح محلی و ملی بود. این الگو می‌تواند برای تحلیل مشابه در بحران‌های آینده مورداستفاده قرار گیرد.



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مقایسه یافته‌ها با پیشینه پژوهش

یافته‌های این پژوهش در شش مقوله پارادایمی نشان داد که حلقه‌های میانی دینی (روحانیون و مداحان) با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی انباشته‌شده و با راهبردهای معنابخشی، عاطفی-حرکتی و ارتباطی، توانستند مشارکت مردمی را در بحران جنگ رمضان به شکلی بی‌سابقه تقویت کنند.

این یافته‌ها با برخی از مطالعات پیشین همخوانی و با برخی دیگر تفاوت دارد.

شباهت‌ها: یافته‌های این تحقیق با پژوهش نثاری و همکاران (۱۴۰۴) درباره «سپر شناختی-اجتماعی» در دفاع مقدس ۱۲ روزه هماهنگ است. آن پژوهش نیز سه مکانیسم ترجمه راهبردی، پالایه شناختی و سازمان‌دهی غیرمتمرکز را شناسایی کرده بود که در مطالعه حاضر ذیل مقوله‌های راهبردها (به‌ویژه راهبردهای معنابخشی توسط روحانیون و راهبردهای حرکتی توسط مداحان) بازتولید شد. همچنین با یافته‌های فروهی و عبدالهی (۱۴۰۳) درباره نقش روحانیون در

تمدن سازی – که بر راهبردهایی چون بصیرت‌افزایی و گفتمان سازی تأکید داشت – همسو است. از حیث نظری، تأکید پاتنام (۲۰۰۰) بر نقش شبکه‌های غیررسمی و اعتماد در تسهیل همکاری، در یافته‌های مقوله زمینه‌ای (وجود شبکه‌های هیأت‌ها و مساجد) به‌وضوح قابل‌مشاهده است. همچنین مفهوم «چتر مقدس» برگر (۱۹۶۷) در راهبردهای معنابخشی روحانیون (صدور حکم شرعی بر وجوب حضور، تقدیس مشارکت) عینیت یافته است. نظریه بسیج منابع تیلی (۱۹۷۸) نیز در راهبردهای سازمان‌دهی غیرمتمرکز مداحان و تبدیل منابع پراکنده به کنش فشرده، نمود عملی پیداکرده است.

تفاوت‌ها با پیشینه داخلی: مهم‌ترین تفاوت این پژوهش با مطالعات پیشین مانند مجیدی و سبزی (۱۴۰۱) و ربیعی و سیاوشی (۱۴۰۱) در آن است که آن‌ها حلقه‌های میانی را عمدتاً در شرایط عادی یا بحران‌های متعارف بررسی کرده بودند، درحالی‌که پژوهش حاضر این نقش را در وضعیت کاهش موقت هماهنگی نهادهای رسمی (شهادت هم‌زمان رهبری و فرماندهان) تحلیل کرده است. این تفاوت زمینه‌ای موجب شد که مؤلفه‌هایی مانند «خودجوشی مطلق» و «عدم اتکا به هرگونه ساختار رسمی» در یافته‌های ما پررنگ‌تر از مطالعات پیشین باشد. همچنین بر خلاف پژوهش جعفری (۱۳۹۹) که مدل‌های ذهنی مداحان را عمدتاً ساده و ایستا ارزیابی کرده بود، یافته‌های این پژوهش نشان داد که مداحان در بحران توانستند با خلاقیت و سرعت عمل بالا، نوحه‌ها و اشعار متناسب با وضعیت را تولید و پخش کنند.

تفاوت با پیشینه خارجی: مطالعات خارجی عمدتاً به نقش سازمان‌های مبتنی بر ایمان در بلایای طبیعی پرداخته‌اند، درحالی‌که بحران جنگ رمضان یک تهدید عمدی و ترکیبی بود و شبکه‌های دینی در آن علاوه بر کارکرد امدادی، کارکرد مقاومت مدنی و دفاع ملی نیز داشتند. همچنین بر خلاف مدل «سازمان‌های مردم‌نهاد دینی» در غرب، حلقه‌های میانی در ایران کاملاً غیررسمی و مبتنی بر سرمایه عاطفی و آیینی عمل کردند.

ارتباط یافته‌ها با اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش، تبیین سازوکارهای تبدیل سرمایه اجتماعی نهفته و بالقوه به مشارکت بالفعل توسط حلقه‌های میانی دینی بود. یافته‌های مقوله محوری نشان داد که پدیده مرکزی «نظام

مکمل روحانی-مداح» است که در آن روحانیون کارکرد مرجعیت اطلاعاتی و مشروعیت بخشی شرعی و مداحان کارکرد فراخوانی و سازمان‌دهی عاطفی-حرکتی را بر عهده دارند. هدف فرعی، شناسایی عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر مؤثر بود که در مقوله‌های مربوطه تشریح شد؛ بنابراین، تمامی اهداف پژوهش با یافته‌ها پوشش داده شد.

نتیجه‌گیری نهایی

نتایج نهایی این پژوهش بیانگر آن است که در شرایط کاهش هماهنگی موقت نهادهای رسمی، شبکه‌های دینیِ خودجوش و غیررسمی (مساجد، هیأت‌ها) با اتکا به سرمایه اجتماعی و معنایی از پیش موجود، می‌توانند به‌عنوان حلقه‌های میانی عمل کرده و مشارکت عمومی را به‌سرعت بسیج و جهت‌دهی کنند. موفقیت این الگو مرهون تمایز کارکردی مکمل میان روحانیون (مرجعیت و مشروعیت) و مداحان (عاطفه و سازمان‌دهی) است. این الگو نه‌تنها در بحران جنگ رمضان کارآمد بود، بلکه منجر به بازتولید سرمایه اجتماعی و ایجاد یک دانش بومی برای مدیریت بحران‌های آتی شد.

پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌ها

الف: پیشنهادهای نظری (برای توسعه دانش)

۱. بسط نظریه حلقه‌های میانی رهبری: یافته‌های این پژوهش نشان داد که مفهوم حلقه‌های میانی نیازمند تفکیک به زیرگونه‌های تخصصی است. پیشنهاد می‌شود نظریه‌پردازان داخلی «نظام مکمل روحانی-مداح» را به‌عنوان یک الگوی بومی از حلقه‌های میانی دینی صورت‌بندی کنند و ویژگی‌ها، کارکردها و نسبت آن با سایر حلقه‌ها (دانشجویی، جهادی، صنفی) را نظریه‌پردازی نمایند.

۲. طراحی مدل ترکیبی از سه نظریه کلاسیک: با توجه به تلفیق موفق پاتنام، برگر و تیلی در این پژوهش، پیشنهاد می‌شود مدلی ترکیبی تحت عنوان «مدل سرمایه‌ی اجتماعی مشروعیت‌یافته»[1] تدوین شود که در آن شبکه‌های اعتماد با استفاده از مشروعیت دینی و بسیج منابع، کنش جمعی پایدار ایجاد می‌کنند.

1 Legitimated Social Capital Model

ب: پیشنهادهای کاربردی (برای سیاست‌گذاری و مدیریت بحران)

۱. شناسایی و توانمندسازی حلقه‌های میانی دینی در زمان صلح: نهادهای متولی (سازمان تبلیغات، مرکز رسیدگی به امور مساجد، شورای هیأت‌های مذهبی) باید پیش از وقوع بحران، نقشه جامعی از شبکه‌های فعال مساجد، هیأت‌ها و مداحان شاخص در سطح محلات تهیه و با برگزاری دوره‌های مدیریت بحران (با تأکید بر سواد رسانه‌ای و هماهنگی با نهادهای رسمی) ظرفیت آن‌ها را افزایش دهند. این اقدام باید بدون ایجاد تشریفات اداری و حفظ ماهیت خودجوش آن‌ها انجام شود.

۲. طراحی پروتکل ارتباطی میان نهادهای رسمی و حلقه‌های میانی: به استناد یافته‌های مقوله مداخله‌گر، پیشنهاد می‌شود یک پروتکل روشن و از پیش آزمایش‌شده برای نحوه تعامل نیروی انتظامی، استانداری‌ها و صداوسیما با ائمه جماعات و مداحان در بحران تدوین شود. این پروتکل باید مشخص کند در چه شرایطی نهادهای رسمی تسهیلگری می‌کنند، چه اطلاعاتی را در اختیار حلقه‌های میانی قرار می‌دهند و چگونه از ظرفیت آن‌ها بدون جایگزینی یا کنترل متمرکز بهره می‌برند.

۳. گنجاندن تجربه جنگ رمضان در کتب درسی: یافته‌های این پژوهش نشان داد که انتقال تجربه به نسل جوان یکی از پیامدهای موفق بود. پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش‌وپرورش و سازمان بسیج دانش‌آموزی، روایت مستند و آموزشی از نقش حلقه‌های میانی دینی در جنگ رمضان را به‌صورت مطالعه موردی در کتاب‌های آمادگی دفاعی و مطالعات اجتماعی (دوره دوم متوسطه) و نیز در دوره‌های تربیتی مربیان هیأت‌های دانش‌آموزی بگنجانند.

پیشنهادهای فوق قابلیت اجرا با حداقل هزینه و حداکثر اثربخشی را دارند، زیرا مبتنی بر ظرفیت‌ها و ساختارهای از پیش موجود (مساجد، هیأت‌ها، شبکه‌های ارتباطی غیررسمی) هستند. پیشنهاد نظری (مدل ترکیبی) می‌تواند در پژوهش‌های آتی درباره سرمایه اجتماعی و بسیج دینی در ایران و کشورهای مشابه (لبنان، عراق، پاکستان) مورد آزمون قرار گیرد. پیشنهادهای کاربردی نیز نیازمند تصویب و ابلاغ از سوی مراجع رسمی ندارد؛ بلکه با هماهنگی سطح استان و محله و با تکیه‌بر ظرفیت خود همین حلقه‌های میانی قابل‌اجرا است.

قدردانی

«از دبیر محترم جامعه‌ی ایمانی مشعر، سازمان هیأت و تشکل‌های دینی، کانون مداحان کشور، دانشگاه‌های عالی دفاع ملی و علوم انتظامی امین که در هماهنگی مصاحبه‌ها و دسترسی به مشارکت‌کنندگان، همکاری ارزشمندی با این پژوهش داشتند، سپاسگزاری می‌شود.»

فهرست منابع

Baniebrahimi, M. H., & Mousavi Nia, S. M. (2023). Behavioral requirements of jihadist groups in proper interaction with government structures, charitable foundations and non-governmental organizations (SEMAN) (case study of Jiroft, Anbarabad and Kohnuj cities). State Studies of Contemporary Iran, 9(1), 41-71. https://irsj.ihu.ac.ir/article_208270.html?lang=en [In Persian]

Berger, P. L. (1967). The sacred canopy: Elements of a sociological theory of religion. Doubleday.

Corbin, J., & Strauss, A. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (3rd ed.). Sage Publications.

Fars News Agency. (2026, May 2). New poll shows more than half of Iranians attended nighttime gatherings. https://farsnews.ir/Razieh_Belali/1777714716321611088 [In Persian]

Forouhi, A., & Abdollahi, F. (2024). Designing a Model for the Role of Clerics in Islamic Civilization Building Based on Grounded Theory. Scientific Journal of New Islamic Civilization Fundamental Studies, 7(2), 285-312. doi: 10.22070/nic.2024.18578.1276 https://nic.shahed.ac.ir/article_4544.html?lang=en [In Persian]

Ghobadzadeh, N., & Akbarzadeh, S. (2020). Religionization of politics in Iran: Shi'i seminaries as the bastion of resistance. Middle Eastern Studies, 56(4), 570–584. https://doi.org/10.1080/00263206.2020.1748013

Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research. Aldine Publishing Company.

Iranian Students News Agency (ISNA). (2026, April 1). Ayatollah Javadi Amoli: People on the scene are angels of the earth. https://isna.ir/xdW9F3 [In Persian]

IRIB News. (2026, May 23). Seminary closures strengthen students' presence among public, official says. https://www.iribnews.ir/00OLSi [In Persian]

Jafari, M. (2021). An Inquiry into Iranian Religious Eulogists' Mental Models; a Qualitative Analysis with Strategic Approach. Religion & Communication, 27(2), 81-115. doi: 10.30497/rc.2021.75637 https://rc.isu.ac.ir/article_75637.html?lang=en [In Persian]

Jam-e-Jam Online. (2026, June 17). Eulogists 'planted flowers' in nighttime gatherings, prominent reciter says. https://jamejamonline.ir/006WsZ [In Persian]

Khamenei, A. (2019, May 22). The Supreme Leader of the Islamic Revolution in a meeting with a group of students and representatives of student organizations https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42633 [In Persian]

Majidi, M. R., & Sabzi Karimabadi, Y. (2022). The position of middle circles in organizational governance and its role in civilization by looking at the category of partisanship. Scientific Journal of New Islamic Civilization Fundamental Studies, 5(1), 29-52. https://doi.org/10.22070/nic.2022.15582.1158 [In Persian]

Naeemi, A., & Habibzade, T. (2025). Analysis of the Capacities of the Constitution of the Islamic Republic of Iran for Responsible Public Participation in Governance according to Muhammad Baqir al-Sadr's Theory of Collective Caliphate of Man. State Studies of Contemporary Iran, (), -. https://irsj.ihu.ac.ir/article_210289.html?lang=en [In Persian]

Nesari, M. , Hosseini, S. R. , Babaei, A. and Nazemi Ardakani, M. (2025). Reproduction of Islamic Identity for Transcendent Governance: An Analysis of the Rhetorical Mechanisms of Religious Orators and Maddahs. Journal of Exalted Governance, 6(2), 97-116 https://hm.sndu.ac.ir/article_3677.html?lang=en[In Persian]

Nesari, M. , Hosseini, S. R. and Pirouzmand, A. (2025). National Security and Social Bonds: Analyzing the Role of Religious Networks in the 12-Day Sacred Defense2025. Industry and Technology Research Management Journal, 5(9), http://itram.jrl.police.ir/article_105189.html?lang=en[In Persian]

Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon & Schuster.

Rabiei, S., & siavashi, M. (2023). The conceptual formulation of middle circles based on the experience of the Islamic Republic of Iran. State Studies of Contemporary Iran, 8(4), 133-171. https://irsj.ihu.ac.ir/article_208122.html?lang=en [In Persian]

Rezania, M. (2021). The Rule of Social Capital to Increase Soft Power of Islamic Republic of Iran. State Studies of Contemporary Iran, 7(3), 35-60. https://irsj.ihu.ac.ir/article_206931.html?lang=en[In Persian]

Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2019). Research methods for business students (8th ed.). Pearson Education.

Shinn, J.E., & Caretta, M.A. (2020). “If it Wasn’t for the Faith-Based Groups, We Wouldn’t Be Where We Are Today”: Flooding Response and Recovery in Greenbrier County, WV. Southeastern Geographer 60(3), 235-253. https://dx.doi.org/10.1353/sgo.2020.0019.

Tasnim News Agency. (2026, March 18). Nightly gatherings a statement against global injustice, official says. https://tasnimnews.ir/3544749 [In Persian]

Tilly, C. (1978). From mobilization to revolution. Addison-Wesley.